



شکل دگرخندیدن

میرزاابنویس

انواع شعر

بقیه مکاتب شعری را خودتان بنیان گذاری کنید!

توضیح مهم ما

همان طور که آن بزرگ طنزپرداز بنیان گذاری ملکیت شعرهای دیگران را به ما سپرده اند، ما هم در این راستا، برخی

مکاتب ادبی مهم را که به تازگی کشف کرده ایم به شما علاقه مندان به دنیای رنگین شعر و ادبیات معاصر بویژه شما جوانان که عمری را در راه کنگره های شعری گذرانده اید و بارها سگه باران شده اید، معرفی می کنیم به این امید که خلاهای شعری تان را بشناسید و برطرف کنید تا بیشتر شما را به آن مجامع مهم هنری ادبی اجتماعی فرهنگی دعوت کنند و از برکت شعرتان شما هم به شعر برکت و انواع دیگر شعر که اکنون پیشنهاد می کنیم، برسید.

شعر آبدار

شعری که در آبدارخانه ساخته شده، یا شعری که شاعر آن، خود را ابتدا در آبدارخانه ساخته و سپس آن را ساخته (در این باره دو نوع نظر وجود دارد انتخاب این که کدامش بهتر است با خودتان)

شعر موجی

شعری که واژه هایش از پلکان مصراع افتاده و درهم و برهم شده، این شعر، خیلی شبیه شعر نیمایی است.

شعر پلکانی

شعری که سطرهای آن مثل پلکان چیده می شود تا شاعر به بالای پشت بام شعر برود تا کیوتر عشق را پرواز دهد

شعر گفتاری

شعری که شاعر، حرف ها و گفتارش را به جای شعر قالب کرده.

شعر شنیداری

شعری که از رسانه ها بویژه صدا و سیمای خودمان شنیده و اکثراً غلط هم خوانده می شود!

شعر گل بلبل

این نوع شعر مثل لوبیا چشم بلبل، فانتزی است و بیشتر برای ترانه خوان ها نوشته می شود.

می شود و هم همه (!) چون... بگذریم، می ترسیم دوباره رشته سخن را از دست بدهیم و ترتیبی بدهیم که ناخواسته این یک صفحه اندک و حقیرمان را هم از دست ... خلاصه این که یک بزرگ طنزپردازی که نباید اسمی از او ببریم پیش از ما در کتابش (که نباید از آن هم اسمی ببریم چون... به همان دلایل گذشته و بالایی) انواع این شعرهای جدید و جوان گرا و جوان پسند و جوان سرا و جوان ادا (!) و جوان خوان و جوان گو و... را کشف و نام گذاری کرده که ذکر آن ها در این سطرها، خالی از لطف نیست.

ما هم به تبعیت ایشان اکنون که سر ذوق آمده ایم و چشمه شعرمان هی در حال فوران است، نمونه های دیگری از این شعرها را کم کم کشف می کنیم و این کشف های شاعرانه شعری مان را تا دیگری کشف نکرده به اطلاع شما می رسانیم اما همان طور که قبلا هم متذکر شدیم، با اجازه شما چند نمونه از کشفیات آن بزرگ طنزپرداز را برای شما رونویسی می کنیم و سپس کشفیات شاعرانه خود را هم به خودتان می دهیم تا حساب کار دستتان بیاید و بدانید که «میان ماه من تا ماه گردون، تفاوت از کجاست تا به کجا...؟!»

پیشنهاد

در راستای شعر حجم، موج نو، شعر ناب، شعر گفتار، شعر حرکت، شعر دیداری، شعر پسانیمایی، شعر پسامدرن، شعر فرانو و شعر متفاوت، شعر دیگری پیشنهاد می شود:

شعر برکت

خدا بدهد برکت! شعری است این هوا! اندازه نوشابه خانواده که باید در یخچال نگهداری شود.

شعر هو

بر وزن شعر نو، شعری است که چون خوانده شود، حاضران شاعر را «هو» کنند.

شعر پنداری

شعری است که شاعر، خودش می پندارد «شعر» گفته است!

پس از مدت ها که مای میرزاابنویس طبع مان خشکیده بود و حال و حوصله نوشتن چیزی نداشتیم، نمی دانیم چه رخ داده که بالنسبه حسن و حال عجیبی برای نوشتن پیدا کرده ایم و آن قدر در این حال، دچار جوشش و غلیان شده ایم که احساس می کنیم به مرحله عرق ریزان فکر و انفجار شعر رسیده ایم بنابراین اگر نتویسیم یحتمل دچار سگته خواهیم شد حذر کند که این سگته از نوع سگته ملیح باشد.

حال تا به مرحله جوشش شعری برسیم اندکی فرصت باقی است در این چند لحظه که قرار است به اوج غلیان برسیم و طبع مان قل قل به جوشش و حرارت برسد و فوران یابد، خوب است مقدمه ای در باب خطرات پرداختن به موضوع شعر و شاعری در این جریده بپردازیم. [شاید بپرسید مگر چه خطری دارد ما هم عرض خواهیم نمود اصولا از روز اولی که به عنوان میرزاابنویس در این نشریه فخمیه مسئول به طنزآوری (!) و تکه پردازی (!) شدیم عده ای به ما گیر دادند و اعتراض کردند که چرا همه مجله تان شده ادبیات و شعر (البته نگذاشتند برسیم و از آن ها بخواهیم فرق شعر و ادبیات را می دانند یا نه و اگر نمی دانند، کمی اجازه بدهند از کسوت خودمان در ادبیات و شعر، مایه بگذاریم و برای شان توضیح عالمانه ای درباره فرق این دو واژه به ظاهر یگانه ارائه کنیم...)

چی داشتیم می گفتیم؟! فی الواقع، این قدر جوشش و حرارت سخن گفتن درباره شعر و شاعری داریم که رشته کلام را از دست دادیم... حالا خود شما حدس بزنید که با این همه فشار و هجمه روانی بر روی میرزا بنویس زار و تزار، چه جراتی دارد که دوباره می خواهد درباره شعر بنویسد و داد سخن بدهد...

مقدمه دوم

حتما می دانید که در دنیای شعر امروز که موج های نویی به راه افتاده، هم حجم شعرهای شاعران بالا رفته هم شعرهای حجم و هم شعرهای حجمیم. در این میان می توان انواع شعرهای تازه را کشف کرد و به نام خود ثبت نمود. یک بزرگ طنزپردازی که نباید از او اسم ببرم (چون هم خودش ناراحت